



۲۰۱۹/۱۲/۱۷



م. اسحاق نگارگر

از باران گریختن و زیر ناوه نشستن!



در شعری که منسوب به حافظ است ولی از حافظ نیست گفته میشود:

هر یکی روز بهی می طلبد از ایام
مُشکل این است که هر روز بتر می بینم

مردم افغانستان مثل اینکه از یاد بُرده باشند که از ایام یا از دولت هایی که به دنبال هم می آیند روز بهی طلب داشته باشند. آنان فقط یک چیز می خواهند: یکی بیاید که با کار و غریبی ما کاری نداشته باشد و اگر خیری به ما نمی رساند شَر خود را نیز به ما نرساند ولی کما بیش نیم قرن می گذرد که به همین آرزوی کوچک هم نمی رسند.

با دوستی در شهر مزارشریف صحبت میکنم و طبق معمول از وضع امنیتی می پرسم. می گوید در سرک های قیر و مراکز شهرها دولت امر و نهی می کند و بیرون از سرک های قیر طالب و داعش و زورگویان دیگر می پرسم آیا طالبان از گذشته عبرت گرفته اند و بر خوردشان با مردم انسانی تر شده است یا هنوز هم همان دره به دستان سرکش استند که غیر از خود هیچ کس را نمی شناسند؟

میگوید: حالا مردم را تُرّه نمی زنند ولی هفت هشت نفر مهمان خانه های یک بیچاره می شوند و با تجربه ای که از گذشته کسب کرده اند یتیم بچه را نمی زنند و نه می کنند بلکه یک لقمه نانش را از دستش می گیرند.

می پرسم چطور؟

می گوید: شورخوردنی مردم را جریمه می کنند آنهم پنجاه؛ صد افغانی نه بلکه یک هزار و دو هزار و نظر به وضع ظاهری شخص تا پنج هزار و ده هزار افغانی. میگویم آخر جریمه به دلیل یک گناه و تخلف است اگر کسی گناه یا تخلفی نکرده باشد جریمه برای چه؟

میگوید: میگویند ما برای تان خدمت می کنیم و هیچ تنخواه و طلب نداریم اگر خرج خود را از شما نگیریم پس از کی بگیریم؟

خندیدیم و گفتیم «از بترش توبه!» دولت و اعضای دولت کابل در شهرها برای مردم «خدمت» می کنند و در ازای خدمت نه تنها از مردم باج و رشوه می گیرند که کمک های خارجی را نیز در جیب های خود می ریزند و در دهات نیز طالب زور دارد و برای خرج خود مردم را جریمه میکند آیا شما در مورد این حالت اگر نر استی هم پول بزای و اگر ماده استی هم پول بزای به آنان نمی گوئید که پس ما چه کنیم و چه کس را جریمه کنیم آخر ما که غیر از زن و فرزند دیگر زبردست نداریم و آنان را که نمی توانیم جریمه کنیم؟

گفت: «دوست عزیز؛ از دل بیغم گپ نزن اگر آنچه را تو گفتی من بگویم کلشنیکوف را به سویم نشانه می گیرند که اگر زبان دوستی را نمی فهمی این زبان دیگر نیز وجود دارد!»
دیدم راست می گوید و به عنوان آخرین حرف برایش گفتم: «ضعف شما در افتراق تان است که اگر باهم اتحاد می داشتید طالب یا دولت کلشنیکوف را به سوی یک تن می تواند نشانه بگیرد ولی به سوی ده هزار تن نمی تواند نشانه بگیرد».
آری:

الحذر از فتنه ای کز خشم مردم گل کند
اتفاق این غبار از برق هم سوزانتر است

این ستم پذیری است که ستمگری ایجاد می کند. فاعتبروا یا اولی الابصار. نگارگر ۱۱ دسمبر ۲۰۱۹ برمنگهم



هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز تذکر: مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست را "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

از باران گریختن و زیر ناوه نشستن!

i_negargar_az_baaraan_grekhtan_zer_naawa_neshastan.pdf